

بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر پابندی به ارزشهای دینی مطالعه موردی دانش آموزان مقطع متوسطه شهر شیراز

عبدالعلی لهسانی زاده

جهانگیر جهانگیری

علی شریفی

چکیده

هدف این تحقیق بررسی عوامل جامعه شناختی مؤثر بر پابندی دانش آموزان مقطع متوسطه شهر شیراز به ارزشهای دینی است. در این پژوهش، نظریات وبر، پارسونز، اینگلهارت و مید به عنوان چارچوب نظری مورد استفاده قرار گرفته است. داده ها به وسیله پرسشنامه از یک نمونه ۳۸۰ نفری دانش آموزان مقطع متوسطه شهر شیراز در سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰ جمع آوری شدند. متغیرهای مستقل در این تحقیق عبارتند از: متغیرهای جمعیتی شامل، سن و جنس؛ متغیرهای مربوط به پایگاه اقتصادی، - اجتماعی، شامل، شغل، مادر، تحصیلات والدین، رشته تحصیل، درآمد، سبیل، قافه؛ متغیرهای مربوط به کارگزاران جامعه پذیری مذهبی شامل، والدین، گروه همسالان، عوامل درون مدرسه ای (بسیج و شورای دانش آموزی، دبیران دینی) و متغیر میزان استفاده مذهبی از وسایل ارتباطی. متغیر وابسته، یعنی نظام ارزشی دینی هم به دو بعد باور دینی و رفتار دینی تقسیم می شود. تاثیر متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته سنجیده شد و نتایج نشان داد که اغلب متغیرها وابسته معناداری با متغیر وابسته دارند و پابندی دانش آموزان به ارزشهای دینی متوسط رو به بالاست.

کلید واژه ها: نظام ارزشی دینی، کارگزاران جامعه پذیری مذهبی، پابندی به ارزشهای دینی، رفتار دینی، باور دینی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی

۱- مقدمه

۱-۱- اهمیت تحقیق

دین با زندگی انسانها در آمیخته است. دین پیوستگیهای اعضای جوامع و الزامات اجتماعی را که به وحدت آنان کمک می کند، ازدیاد می بخشد، چون ارزشها که زیر ساخت الزام اجتماعی هستند در بین گروههای دینی مشترکند. جامعه شناسی دین به بررسی رفتار دینی گروهها با مطالعه تعامل انگیزه ها و الزامات دینی با نهادهای مختلف اجتماعی می پردازد و اساساً تصور بر این است که جامعه شناسی دین با دو مسأله سروکار دارد که مبنای شکل گیری آن را توجیه می کند: یکی این که چرا باورداشتهای و عملکردهای مذهبی یک چنین نقش تعیین کننده ای در فرهنگ و جامعه دارند و دیگر این که چرا این باور داشتهای و عملکردهای مذهبی، صورتیهای گوناگونی به خود می گیرند (همیلتون، ۱۳۷۷: ۳-۱).

اهمیت چنین تحقیقاتی در حوزه جامعه شناسی دین از آن روست که جامعه ما در مرحله گذار به مرحله صنعتی قرار دارد و از نوعی دوگانگی در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی افراد رنج می برد که این امر در شکل گیری نظام ارزشی افراد، به ویژه جوانان و نوجوانان، بی تاثیر نبوده است. از طرف دیگر، دین با جنبه های زندگی گوناگون مردم جامعه ما در آمیخته است و می تواند تاثیر آن را در همه جوانب دید. به لحاظ دیگر این که کشور ما در حال حاضر به شکل یک حکومت دینی اداره می شود که ترکیب دین و سیاست می تواند تأثیرات زیادی بر جنبه های زندگی مردم به خصوص نسل جوان بگذارد.

۲-۱- بیان مسأله

تعریف دین تا کنون بر پایه یکی از این چهار امر صورت پذیرفته است: ارزش، ماهیت آن، وجه مشترک (ماهوی، ارزشی) و کارکرد. به همین سبب فهرست متنوعی از تعاریف دین پدید آمده است. گیدنز^۱ اذیان را متضمن مجموعه ای از نمادها می داند که احساسات حرمت یا خوف را طلب می کند و با شعار و تشریفات (مانند مراسم کلیسا) که توسط اجتماع مؤمنان انجام می شود پیوند دارد؛ خواه اعتقادات یک دین شامل خدایان باشد یا نباشد، عملاً همیشه موجودات یا اشیایی وجود دارد که حالات خوف یا حیرت را القا می کند (گیدنز،

(۱۳۷۴: ۴۹۶)

^۱ -A. Giddenz

در این رهیافت، علاوه بر مقوله دین، مقوله ارزش هم تعریف شده است. بر این اساس به تعریفی که گی‌روشه^۱ از ارزش ارائه می دهد بسنده می کنیم: ارزش شیوه ای از بودن یا عمل است که شخص یا جمع آن را به عنوان آرمان می شناسد و افراد رفتارهایی را که بدان نسبت داده می شوند، مطلوب تشخیص می دهند (روشه، ۱۳۶۷: ۷۶).

مفهوم ارزشهای دینی در این تحقیق در دو بعد باور دینی و رفتار دینی در نظر گرفته شده است. منظور از باور دینی باورداشتهای افراد است که بر قضاوت ارزشی متکی است و رفتار دینی جلوه های مشاهده پذیر دین را شامل می شود.

۳-۱- اهداف تحقیق

هدف کلی تحقیق، مطالعه و ارزیابی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر پابندی به ارزشهای دینی جامعه آماری مورد نظر است. دیگر اهداف تحقیق بررسی نقش عوامل تعیین کننده ای چون پایگاه اقتصادی اجتماعی دانش آموز (شغل پدر، تحصیلات والدین، درآمد پدر و...) نقش کارگزاران جامعه پذیری مذهبی (والدین، گروه همسالان، دبیران دینی و...) و نقش وسایل ارتباط جمعی می باشد.

۲- مروری بر تحقیقات پیشین

۲-۱- تحقیقات داخلی

محسنی، تحقیقی تحت عنوان «بررسی آگاهیها، نگرشها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران» در سال ۱۳۷۴ انجام داده است. فصل سیزدهم تحقیق، به رفتارهای مذهبی پاسخگویان اختصاص دارد که در شش قلمرو محدود شده است که عبارتند از: رفتن به مجالس روضه خوانی، شرکت در نماز جماعت در مسجد، زیارت اماکن مذهبی، نذر و نیاز، رفتن به دعای کمیل و پرداخت فطریه. داده های تحقیق با متغیرهای مورد استفاده شامل جنس، گروه سنی، وضع سواد، وضع تاهل و درآمد سنجیده شده است. جامعه آماری در این زمینه فقط مسلمانان بودند. بر اساس نتایج به دست آمده در مورد رفتارهای مذهبی، پرداخت فطریه، رفتاری است که دارای بالاترین میزان فراوانی و شدت اجرا می باشد و در مرتبه بعدی نذر قرار دارد. این رفتارها از اهمیت قابل توجهی برخوردار هستند و فاصله نسبی رفتارهای مرتبه سوم به بعد با این دو رفتار قابل ملاحظه

^۱ G.Roche

است. نگاهی به عوامل مهم مرتبط با آنها نشان می دهد که دو عامل سن و درآمد هر یک ۴ بار در این سلسله عوامل ظاهر شده اند (بیشترین ظهور) و در مرتبه بعد سواد قرار دارد (۳ بار) و در مرتبه بعد وضع تأهل (۲ بار) و سرانجام کمترین رابطه با عامل جنس (فقط ۱ بار) مشاهده شده است (محسنی، ۱۳۷۹).

رفیع پور در تحقیقی میزان پابندی مردم را به ارزشهای مذهبی در سال ۷۱ در مقایسه با سالهای ۵۶ و ۶۵ بررسی کرده است. با ۳۱۴ نفر از کارمندان و کارکنان دولتی در ۳ وزارتخانه بهداشت، آموزش عالی و جهاد سازندگی در سطوح مختلف که سنشان در آن زمان ۳۰ سال به بالا بوده (یعنی زمان انقلاب را به یاد داشتند) از طریق نمونه گیری سیستماتیک مصاحبه به عمل آمده که برای سنجش تغییر ارزشهای مذهبی از چهار مؤلفه سود جسته است: اعتقاد به دین، علاقه به روحانیت، رعایت حجاب و احترام به خانمهای چادری.

چنان که از نتایج بر می آید ۸۹/۳ درصد از پاسخگویان معتقد بودند که در سال ۶۵ اعتقاد مردم به دین زیاد بوده است. این رقم برای سال ۷۱ به ۴۳/۲ درصد می رسد. ارزیابی از اعتقادات مردم برای سال ۵۶ کمتر از سال ۷۱ و ۲۱/۹ درصد می باشد. علاقه مردم به روحانیت نیز در سال ۶۵ بسیار زیاد، یعنی ۸۶/۷ درصد و در سال ۷۱ به ۳۲/۳ درصد می رسد که نزدیک به سال ۵۶، ۳۱/۸ درصد می باشد. ۸۶/۲ درصد از پاسخگویان معتقد بودند که در سال ۶۵ عدم رعایت حجاب از نظر مردم عیب داشت. برای سال ۷۱ این ارزیابی به ۴۱/۵ درصد می رسد. همچنین ۸۱/۸ درصد از پاسخگویان معتقد بودند مردم جامعه ما در سال ۶۵ به خانمهای چادری احترام می گذاشتند، در حالی که این رقم برای سال ۷۱ به ۳۶/۸ درصد می رسد (رفیع پور، ۱۳۷۷).

۲-۲- تحقیقات خارجی

ماتی دوگان^۱ به تحقیقی تحت عنوان «زوال اعتقادات مذهبی در اروپا» بر اساس اطلاعات و منابع بررسی ارزشهای جهانی سالهای ۱۹۹۰-۱۹۹۱ پرداخته است. ما بررسی خود را در زمینه اعتقادات مذهبی در چند مورد از جمله اعتقاد به خدا، کتاب مقدس چیست، نیایش و اجتماعی شدن مذهبی، انجام داده ایم. در مورد اعتقاد به خدا نتایج تحقیق نشان می دهد که از میان ۶۲ درصد فرانسوی که گفته اند به خدا اعتقاد داریم تنها ۱۳ درصد گفته اند که خدا در زندگی آنها از اهمیت بالایی برخوردار است. در بریتانیا ۷۸ درصد پاسخ دهندگان به این پرسش پاسخ مثبت داده اند، اما هنگامی که به مسأله میزان اهمیت خدا در زندگی افراد می رسم، این رقم به ۱۹

^۱ M.Dogan

درصد سقوط می کند. در مورد گزینه کتاب مقدس چیست؟ از میان ۱۴ کشوری که این بررسی در آنها صورت گرفته است، در ۱۱ کشور، از هر ۴ نفر ۱ نفر معتقد است که کتاب مقدس کلمه به کلمه سخنان پروردگار است. بیشتر آنها معتقدند که این کتاب حاوی کلام خداوند است، اما نباید معنای تحت اللفظی آن مورد توجه قرار گیرد. جالب ترین نتیجه درصد بالای افرادی است که معتقدند کتاب مقدس، کتابی حاوی افسانه ها و حکایات و داستانها، تاریخ و تعالیم اخلاقی است که توسط انسان نگاشته شده است و هیچ گونه منشأ الهی ندارد. این عقیده ۴۷ درصد از بریتانیاییها، نروژیها، یک سوم آلمانیها، هلندیها، اتریشیها، اسلونیاییها، نیمی از مجارها و ۵۸ درصد روسهاست. در مورد این موضوع که آیا کلیسا قادر است در مقابل وضعیت دشوار اخلاقی، مشکلات خانوادگی و مسائل امروزی در جوامع پاسخگو باشد؟ نتایج بررسی در ۱۴ کشور اروپایی و ایالات متحده آمریکا، فیلیپین و اسرائیل جمع آوری شده است. در همه ۱۷ کشور بدون هیچ استثنایی اکثریت مردم معتقدند که رهبران کلیسا نباید بر تصمیمات دولت و آرای رای دهندگان تاثیر بگذارند (دوگان، ۱۹۹۵).

ایوان یازبک حداد و آدی. ت. لومیس^۱ تحقیقی تحت عنوان «گسترش ارزشهای اسلامی در ایالات متحده آمریکا» انجام داده اند. محققین از بین ۵۹۸ مسجد و مرکز اسلامی در آمریکا، ۵ مسجد را به عنوان نمونه انتخاب کرده اند که ۳۴۷ پرسشنامه توسط مسلمانان پر شده است. نتایج تحقیق نشان می دهد که هر چه الفت افراد با مسجد بیشتر باشد، آنها به اجرای دقیق احکام اسلامی پایبندترند. پاسخگویان از امام جماعت انتظار داشتند که علاوه بر انجام عبادات روزمره به وظایفی چون آموزش این افراد، رسیدگی به کسانی که مشکل فرهنگی دارند، رسیدگی به بیماران، مشاوره خانوادگی، مشاوره در مورد ازدواج اسلامی، مشاوره جهت حلال یا حرام بودن غذاها، حدود پوشش اسلامی و... بپردازند. همچنین پرسش شوندگان انتظار داشتند امام جماعت مسجدشان فردی باشد که بر فقه، قوانین شریعت و زبانهای انگلیسی و عربی مسلط باشد. این تحقیق همچنین نشان می دهد که بین سن و مشارکت در فعالیتهای مسجد رابطه وجود دارد به نحوی که افراد جوان نسبت به افراد پیر و افراد مجرد نسبت به افراد متأهل کمتر به مسجد می روند (یازبک و لومیس، ۱۳۷۱).

^۱ -E.Y.Hadad & A.T.Lomis

۳- چارچوب نظری

در مطالعه حاضر، ترکیبی از نظریه عمومی کنش پارسونز^۱ و نظریه وبر^۲ در مورد نظام دینی و قشر بندی اجتماعی، نظریه ارزشهای مادی - فرامادی اینگلهارت^۳ و نظریه جامعه پذیری مذهبی مید^۴ به عنوان چارچوب نظری مطرح می شود. نظریه ارادی کنش پارسونز در جهت ایجاد ارتباط بین چندین مقوله است:

۱- ارتباط بین هنجارها و ارزش؛ ۲- کارگزار انسانی؛ ۳- شرایط اجباری؛ ۴- فشار برای کارایی از طریق هنجارها. هنگام انتقال از واحدهای کنش به سمت نظام اجتماعی، پارسونز دست به مفهوم سازی مجدد زده است و کنشگران را بر حسب ارزشها دسته بندی می کند. از نظر او سه نوع ارزش وجود دارد: ۱- شناختی (ارزیابی بوسیله معیارهای عینی)؛ ۲- قدردانی (ارزیابی به وسیله معیارهای زیبا شناختی)؛ ۳- اخلاقی (ارزیابی بوسیله صحت و سقم مطلق).

به نظر پارسونز اینها همه به شیوه های جهت گیری ارزشی و انگیزشی وابسته است (ترمز، ۱۹۹۸: ۳۰-۳۲). پارسونز نوعی سیطره «سیرنیک» به فرهنگ و به طریق اولی به دین بخشید. دین می تواند از آن جایگاه والایی که در نظام کنش اجتماعی دارد، ارزشها را بیافریند، هنجارها را شکل دهد، نقشهای اجتماعی را تعیین کند و هدایتی همه جانبه نسبت به نظامهای جامعه، شخصیت و رفتار داشته باشد (دیویس، ۲۲: ۱۳۷۹).

رونالد اینگلهارت در آثار خود به «انقلاب آرام» و «تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی» اشاره می کند که یک دسته تغییرات در متغیرهای سطح سیستم جامعه (مثلاً دگرگونی اقتصادی) منجر به تغییراتی در سطوح خود (مهارتها و ارزشها) شده که این تغییرات در سطوح فردی به نوبه خود دارای پیامدهایی در سطح سیستم جامعه است. از نظر توریک، نظریه مادی - فرامادی اینگلهارت مبتنی بر دو فرضیه اساسی است:

۱- فرضیه کمیایی: اولویتهای فرد بازتاب محیط اجتماعی - اقتصادی وی هستند؛ شخص بیشترین ارزشها را برای کالاها و یا خدماتی قایل می شود که عرضه آنها نسبتاً کم است.

^۱ - T. Parsons

^۲ - M. Weber

^۳ - R. Englhart

^۴ - G. H. Mead

۲- فرضیه اجتماعی شدن: مناسبات میان محیط اجتماعی - اقتصادی و اولویتهای ارزشی یک رابطه مبتنی بر تطابق بلافاصله نیست؛ زیرا ارزشهای اصلی شخص تا حدود زیادی انعکاس شرایطی است که در سالهای قبل از بلوغ وی حاکم بوده است.

این دو فرضیه مجموعاً دلالت بر آن دارند که فراگرد و دگرگونی ارزشها از آثار دورهایی (بازتاب نوسانهای کوتاه مدت در محیط اجتماعی - اقتصادی) که بر آثار بلند مدت نسلیها (بازتاب اوضاع غالب در طول سالهای سازنده یک نسل معین) تحمیل می شوند، تشکیل می گردد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۷۵).

مید از نظریه پردازان مهم مکتب کنش متقابل، «خود» را واقعیتی می داند که در جریان تجارب و فعالیتهای اجتماعی شکل می گیرد، از این رو «خود» از نظر مید دارای خصلت مضاعف عینیت یافتن به صورت یک شیء است و مورد قضاوت دیگران قرار می گیرد. علاوه بر آن مید، مفهوم «خود» را به دو بخش فاعلی و مفعولی تقسیم می کند تا بین هویت فردی و اجتماعی شخص تمایز قایل شود. مید نگرش دینی را ناشی از انگیزه ذاتی برای مرادوت می داند. این انگیزه موجب نوعی گرایش و توانایی انسان می شود که او را به سوی گسترش حوزه ارتباطات خود با مردم می کشاند و همین امر موجب می شود که آیینهای دینی گسترش یابند که این خود به عمومیت یافتن امر دینی منجر می گردد (توسلی، ۱۳۷۴: ۲۸).

وبر تمرکز عمده اش بر روی ادیان جهانی است. مطالعه وبر در مورد روح سرمایه داری و اخلاق پروتستان روشنگرترین مطالعه در مورد جامعه شناسی دینی اوست. نظر وبر این است که روح سرمایه داری و اخلاق پروتستان رابطه ای تکوینی با هم دارند؛ یعنی روحیه موجود در شاخه کلونی پروتستانیسم چنان است که در قبال فعالیت اقتصادی، همان حالتی را بیان می کند که همه گروههای تشکیل دهنده جامعه نباید به یک درجه و با شدت برابر احساسات مذهبی از خود نشان دهند. طبقات جنگجو و نجیب زاده به اندیشههای مذهبی از نوع اخلاقی چندان علاقه مند نیستند و احساس مذهبی خود جوشی ندارند. ماموران حکومتی و دیوانسالاران نیز عموماً چندان گرایشی به دین ندارند. آنها بیشتر به نگهداشت نظم، انضباط و امنیت توجه دارند و دین را وسیله سودمندی برای دستیابی به این هدفها می انگارند. بازرگانان ثروتمند و سرمایه داران نیز اعتقاد مذهبی شدید با علاقه به رستگاری اخلاقی مذهبی را چندان از خود نشان نمی دهند. رویکرد مذهبی طبقات ممتاز، رویکردی است که در جهت مشروع ساختن موقعیت ممتاز آن عمل می کند. اما این طبقات متوسط و پایین در مناطق شهری هستند که حاملان واقعی ادیان به شمار می روند. پایین ترین قشرهای جامعه معمولاً اندیشه های مذهبی

متمایزی را نمی‌پروراندند، بلکه پذیرای کوششهای تبلیغی رهبران، بدعت گذاران و واعظان مذهبی طبقه متوسط پایین‌اند (همیلتون، ۱۳۷۷: ۲۴۶).

بدین ترتیب با توجه به نظریاتی که در بالا آمده است، متغیرهای مستقل، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، کارگزاران جامعه پذیری مذهبی و نقش وسایل ارتباط جمعی را به ترتیب با توجه به ترکیب تئوریهایی ویر، اینگلهارت و مید در نظر گرفتیم که می‌تواند دگرگونیهای کوتاه مدت و بلند مدت را تبیین کند. از نظریه عمومی کنش پارسونز برای تبیین متغیر وابسته، یعنی نظام ارزشی دینی، در دو بعد باور و رفتار دینی استفاده شده است.

۳-۱- فرضیات تحقیق با توجه به چارچوب نظری مطرح شده عبارتند از:

۱- به نظر می‌رسد بین سن پاسخگویان و پابندی آنها به ارزشهای دینی رابطه معنی داری به صورت منفی و معکوس باشد؛

۲- به نظر می‌رسد بین جنس پاسخگویان و پابندی آنها به ارزشهای دینی رابطه معنی داری باشد؛

۳- به نظر می‌رسد بین رشته تحصیلی پاسخگویان و پابندی آنها به ارزشهای دینی رابطه معنی داری وجود دارد؛

۴- انتظار می‌رود بین شغل پدر پاسخگویان و پابندی آنها به ارزشهای دینی رابطه معنی داری باشد؛

۵- انتظار می‌رود بین درآمد پدر پاسخگویان و پابندی آنها به ارزشهای دینی رابطه معنی داری و معکوس

باشد؛

۶- انتظار می‌رود بین تحصیلات والدین پاسخگویان و پابندی آنها به ارزشهای دینی رابطه معنی داری و

معکوس باشد؛

۷- انتظار می‌رود بین میزان استفاده پاسخگویان از وسایل و امکانات رفاهی و پابندی آنها به ارزشهای دینی

رابطه معنی داری و معکوس باشد؛

۸- احتمال می‌رود بین میزان جامعه پذیری مذهبی والدین و پابندی پاسخگویان به ارزشهای دینی رابطه

مستقیم باشد؛

۹- احتمال می رود بین میزان جامعه پذیری مذهبی دوستان و پایبندی پاسخگویان به ارزشهای دینی رابطه معنی داری باشد؛

۱۰- احتمال می رود بین میزان جامعه پذیری مذهبی از طرف عوامل درون مدرسه ای (بسیج و شورای دانش آموزی و دیران دینی) و پایبندی پاسخگویان به ارزشهای دینی رابطه مستقیم باشد؛

۱۱- به نظر می رسد بین میزان استفاده مذهبی پاسخگویان از وسایل ارتباطی (کتاب، روزنامه، رادیو و تلویزیون) و پایبندی پاسخگویان به ارزشهای دینی رابطه مثبت باشد.

۳- روش شناسی

۳-۱- روش تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق روش کمی می باشد که تکنیک مورد استفاده پیمایش است.

۳-۲- ابزار جمع آوری اطلاعات

ابزار مورد استفاده در این بررسی، پرسشنامه است که دارای مجموعه ای از سؤالات استاندارد شده یا بسته و سؤالات باز می باشد که سؤالات بسته به صورت طیف و عمدتاً از طیف لیکرت استفاده شده است.

۳-۳- آزمون مقدماتی

هدف از آزمون مقدماتی، دستیابی به گویه های پایا و معتبر می باشد. به همین منظور در این تحقیق، ابتدا ۳۰ نمونه از جامعه آماری مورد نظر انتخاب شدند که پس از توزیع پرسشنامه و جمع آوری آنها با استفاده از نرم افزار SPSS ضریب قابلیت اعتماد گویه ها از طریق روش آلفای کرونباخ به دست آورده شد که مقدار آلفا برای همه طیفها بالاتر از ۷۰ درصد بود (به استثنای سه تا از متغیرها که آلفای آن ۶۸٪ بود و با حذف یک گویه ناهمبستگی، مقدار آلفا به ۷۴٪ رسید).

۳-۴- جامعه آماری

در این تحقیق کلیه دانش آموزان پسر و دختر مقطع دبیرستان در شهر شیراز در سال تحصیلی ۱۳۸۰-۸۱، جامعه آماری مورد نظر بوده که تعداد آنها ۳۹۹۴۱ نفر است.

۳-۵- روش نمونه گیری و حجم نمونه

در این تحقیق از روش نمونه گیری خوشه ای استفاده شده است؛ بر اساس آن، در ابتدا شهر شیراز به چهار منطقه تقسیم شد (تقسیم بندی شهری از نظر نواحی آموزشی و پرورش مد نظر می باشد) سپس از هر یک از مناطق و نواحی چهار گانه، تعدادی دبیرستان و در نهایت از دبیرستانهای منتخب تعدادی دانش آموز پسر و دختر دبیرستانی انتخاب شدند. در تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده و با توجه به پذیرش خطای ۵٪ و سطح اطمینان ۹۵٪، ۳۸۰ نفر انتخاب شدند، که از این تعداد پرسشگری به عمل آمد.

۳-۴- روشهای آماری تجزیه و تحلیل داده ها

برای تجزیه و تحلیل داده ها از روشهای آماری مختلفی مانند تحلیل واریانس، آزمون T، آزمون F و رگرسیون چند متغیره با استفاده از نرم افزار SPSS استفاده شده است.

۴- یافته ها

۴-۱- بررسی فرضیه اول

به نظر می رسد بین سن دانش آموزان و پابندی آنها به ارزشهای دینی رابطه معنی داری به صورت منفی و معکوس باشد.

جدول ۴-۱- بیانگر رابطه بین سن دانش آموزان و پابندی آنها به ارزشهای دینی می باشد که بر اساس تحلیل رگرسیون ساده انجام شده است. ضریب Beta به دست آمده (۰/۱۹-) نشان می دهد که این رابطه منفی است. یعنی موافق انتظار پیش فرض ماست. به عبارت دیگر، هر چه سن بالا رود از پابندی به ارزشهای دینی کاسته می شود. با توجه به میزان T به دست آمده (۳/۶۸-) این رابطه با احتمال بیش از ۹۵ درصد اطمینان ($\text{sig}=0/000$) معنا دار است.

جدول ۴-۱- همبستگی سن دانش آموزان با پابندی به ارزشهای دینی

نام متغیر	R	R^2	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار T	سطح معناداری
سن	۰/۱۹	۰/۰۳	۶/۶۶	-۱/۲۵	-۰/۱۹	-۳/۶۸	۰/۰۰۰

F=13.59

sigF=0.000

۲-۴- بررسی فرضیه دوم

به نظر می رسد بین جنس دانش آموزان و پابندی آنها به ارزشهای دینی رابطه معنی داری و در بین زنان، پابندی به ارزشهای دینی بیشتر باشد.

جدول ۲-۴- نشان دهنده آزمون تفاوت میانگین پابندی به ارزشهای دینی دانش آموزان بر حسب جنس آنها می باشد. همان طور که در جدول مشاهده می شود میانگین پابندی به ارزشهای دینی برای مردان $37/4$ و برای زنان $39/2$ است که با توجه به مقدار T به دست آمده ($2/55$) و سطح معناداری ($0/011$) تفاوت مشاهده شده از لحاظ آماری معنی دار می باشد. بنابراین، طبق داده های این جدول می توان گفت که زنان، پابندی قوی تری به ارزشهای دینی دارند.

جدول ۲-۴- آزمون تفاوت میانگین پابندی به ارزشهای دینی بر حسب جنس دانش آموزان

جنس	فراوانی	میانگین نمره پابندی به ارزشهای دینی	انحراف معیار	مقدار T	سطح معناداری
مرد	۱۷۸	$37/4$	$6/94$	$-2/55$	$0/011$
زن	۱۸۵	$39/2$	$6/5$		

۳-۴- بررسی فرضیه سوم

به نظر می رسد بین رشته تحصیلی دانش آموزان و پابندی آنها به ارزشهای دینی رابطه معنی داری باشد. به عبارت دیگر، انتظار می رود پابندی در دین دانش آموزان رشته تحصیلی علوم انسانی، هنرستان، ریاضی و تجربی به ترتیب بیشتر باشد.

جدول ۳-۴- نشان دهنده تفاوت میانگین پابندی به ارزشهای دینی بر حسب رشته تحصیلی دانش آموزان می باشد. بر اساس داده های مشاهده شده در جدول میانگین پابندی به ارزشهای دینی برای دانش آموزانی که در هر یک از رشته های تجربی، ریاضی، انسانی و هنرستان تحصیل می کنند به ترتیب عبارت است از $38/86$ ، $38/52$ ، $38/54$ ، $36/71$. با توجه به مقدار $F(1/31)$ به دست آمده و سطح معناداری ($0/27$) تفاوت مشاهده شده بین رشته های نامبرده از لحاظ آماری معنی دار نیست. بنابراین، فرضیه سوم رد می شود.

جدول ۴-۳- تفاوت میانگین پابندی به ارزشهای دینی بر حسب رشته تحصیلی دانش آموزان

رشته تحصیلی	فراوانی	میانگین نمره پابندی به ارزشهای دینی	انحراف معیار	F	سطح معناداری
تجربی	۸۱	۳۸/۸۶	۶	۱/۳۱	۰/۲۷
ریاضی	۹۶	۳۸/۵۲	۷/۰۳		
انسانی	۱۲۹	۳۸/۵۴	۶/۶۴		
هنرستان	۵۷	۳۶/۷۱	۷/۵۶		

۴-۴- بررسی فرضیه چهارم

انتظار می رود بین شغل پدر و پابندی دانش آموزان به ارزشهای دینی رابطه معنی داری باشد.

جدول ۴-۴ نشان دهنده تفاوت میانگین پابندی به ارزشهای دینی بر حسب شغل پدر دانش آموزان می باشد. بر اساس داده هایی که در جدول مشاهده می شود میانگین پابندی به ارزشهای دینی برای دانش آموزان که شغل پدرشان در هر یک از گروههای شغلی ۵، ۴، ۳، ۲، ۱، ۸، ۷، ۶، ۵ می باشد به ترتیب عبارت است از ۳۹/۰۴، ۳۸/۸۸، ۳۸/۷۹، ۳۷/۸۶، ۳۷/۸، ۳۷/۶۲، ۳۵/۷۲، ۳۹/۳۳. با توجه به مقدار $F(۰/۴۹)$ به دست آمده و سطح معناداری $(۰/۰۰۳)$ تفاوت مشاهده شده بین گروههای شغلی پدر، از لحاظ آماری معنادار نیست. بنابراین فرضیه چهارم رد می شود. گروهبندی مشاغل با توجه به مطالعه مقدس (مقدس، ۱۳۷۴) سنجیده شده است. در این تحقیق پس از جمع آوری اطلاعات مربوط به این متغیر مشاغل به ۸ گروه تقسیم گردیده و رتبه ۸ برای بالاترین گروه شغلی و رتبه ۱ برای پایین ترین گروه شغلی در نظر گرفته شده است.

جدول ۴-۴- تفاوت میانگین پابندی به ارزشهای دینی دانش آموزان بر حسب گروه شغلی پدر

گروه شغلی	فراوانی	میانگین نمره پابندی به ارزشهای دینی	انحراف معیار	F	سطح معناداری
گروه ۱	۲۱	۳۱/۰۹	۷/۳۹	۰/۴۹	۰/۸۳
گروه ۲	۹	۳۸/۸	۲/۴۲		
گروه ۳	۱۴۳	۳۸/۷۹	۶/۰۶		
گروه ۴	۱۰۶	۳۷/۸۶	۷/۸۳		
گروه ۵	۳۰	۳۷/۸۰	۶/۰۸		
گروه ۶	۱۶	۳۷/۶۲	۷/۷۴		
گروه ۷	۱۱	۳۵/۷۲	۵/۲۹		
گروه ۸	۳	۳۹/۳۳	۹/۴۵		

۵-۴- بررسی فرضیه پنجم

بین درآمد پدر و پایداری دانش آموزان به ارزشهای دینی رابطه معکوس وجود دارد.

جدول ۵-۴ بیانگر رابطه بین درآمد پدر و پایداری دانش آموزان به ارزشهای دینی می باشد که براساس تحلیل رگرسیون ساده انجام شده است. ضریب Beta به دست آمده (۰/۱۶-) نشان می دهد که این رابطه منفی است؛ یعنی منطبق با پیش فرض ماست. به عبارت دیگر، هر چه که درآمد پدر افزایش یابد از پایداری به ارزشهای دینی کاسته می شود. با توجه به میزان T به دست آمده (۳/۱۴-) این رابطه با احتمال بیش از ۹۵ درصد اطمینان ($\text{sig}=0/001$) معنادار است.

جدول ۵-۴- همبستگی درآمد پدر با پایداری دانش آموزان به ارزشهای دینی

نام متغیر	R	R ²	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار T	سطح معناداری
درآمد پدر	۰/۱۶	۰/۰۲	۶/۷۵	-۱/۰۴	-۰/۱۶	۳۰/۱۴	۰/۰۰۱

F=9.91

sigF=0.001

۶-۴- بررسی فرضیه ششم

بین تحصیلات پدر و پایداری دانش آموزان به ارزشهای دینی رابطه معنادار معکوس وجود دارد.

جدول ۶-۴ نشان دهنده رابطه بین تحصیلات پدر و پایداری دانش آموزان به ارزشهای دینی می باشد که بر اساس تحلیل رگرسیون ساده انجام شده است. ضریب Beta به دست آمده (۰/۱۵-) نشان می دهد که این رابطه منفی است؛ یعنی موافق پیش فرض و انتظار ماست. به عبارت دیگر، هر چه بر میزان تحصیلات پدر افزوده شود از پایداری به ارزشهای دینی فرزند (دانش آموز) کاسته می شود. با توجه به مقدار T به دست آمده (۲/۹۴-) این رابطه با احتمال بیش از ۹۵ درصد اطمینان ($\text{sig}=0/003$) معنادار می باشد.

جدول ۶-۴- همبستگی تحصیلات پدر با پایداری دانش آموزان به ارزشهای دینی

نام متغیر	R	R ²	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار T	سطح معناداری
تحصیلات پدر	۰/۱۵	۰/۰۲	۶/۷۴	-۰/۲۳	-۰/۱۵	-۲/۹۴	۰/۰۰۳

F=8.66

sigF=0.003

۴-۷- بررسی فرضیه هفتم

بین تحصیلات مادر و پابندی دانش آموزان به ارزشهای دینی رابطه معکوس وجود دارد. جدول ۴-۷- بیانگر رابطه بین تحصیلات مادر و پابندی دانش آموزان به ارزشهای دینی می باشد که براساس تحلیل رگرسیون ساده انجام شده است. ضریب Beta به دست آمده (۰/۱۹-) نشان می دهد که این رابطه منفی است؛ یعنی موافق انتظار و پیش فرض ماست. به عبارت دیگر، هر چه بر میزان تحصیلات مادر افزوده شود از پابندی به ارزشهای دینی فرزند (دانش آموز) کاسته می شود. با توجه به مقدار T به دست آمده (۳/۷۵-) این رابطه با احتمال بیش از ۹۵ درصد اطمینان ($\text{sig} = ۰/۰۰۰$) معنادار می باشد.

جدول ۴-۷- همبستگی تحصیلات مادر با پابندی دانش آموزان به ارزشهای دینی

نام متغیر	R	R ²	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار T	سطح معناداری
تحصیلات مادر	۰/۱۹	۰/۰۳	۶/۷	-۰/۳۲	-۰/۱۹	-۳/۷۵	۰/۰۰

F=14.07 sigF=0.000

۴-۸- بررسی فرضیه هشتم

بین میزان استفاده دانش آموزان از وسایل و امکانات رفاهی و پابندی آنها به ارزشهای دینی رابطه معکوس وجود دارد.

جدول ۴-۸- نشان دهنده رابطه بین میزان استفاده از وسایل و امکانات رفاهی و پابندی دانش آموزان به ارزشهای دینی بر اساس تحلیل رگرسیون ساده می باشد. ضریب Beta به دست آمده (۰/۱۲-) نشان می دهد که این رابطه منفی است؛ یعنی موافق پیش فرض ماست. به عبارت دیگر، هر چه دانش آموز از وسایل و امکانات رفاهی بیشتری برخوردار باشد از پابندی او به ارزشهای دینی کاسته می شود. با توجه به مقدار T به دست آمده (۲/۴-) این رابطه با احتمال بیش از ۹۵ درصد اطمینان ($\text{sig} = ۰/۰۱$) معنادار می باشد.

جدول ۴-۸- همبستگی میزان استفاده از وسایل رفاهی با پابندی دانش آموزان به ارزشهای دینی

نام متغیر	R	R ²	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار T	سطح معناداری
میزان استفاده از وسایل رفاهی	۰/۱۲	۰/۰۱	۶/۷۴	-۳/۶۶	-۰/۱۲	-۲/۴	۰/۰۱

F=5.79 sigF=0.01

۹-۴- بررسی فرضیه نهم

بین میزان جامعه پذیری مذهبی والدین و پابندی دانش آموزان به ارزشهای دینی رابطه مستقیم وجود دارد. جدول ۹-۴ بیانگر رابطه بین میزان جامعه پذیری مذهبی والدین و پابندی دانش آموزان بر اساس تحلیل رگرسیون ساده می باشد. ضریب Beta به دست آمده (۰/۵۳) نشان می دهد که این رابطه مثبت است؛ یعنی منطبق بر پیش فرض ماست. به عبارت دیگر، هر چه میزان جامعه پذیری مذهبی والدین بیشتر و کامل تر باشد، پابندی به ارزشهای دینی نزد دانش آموز بیشتر خواهد بود. با توجه به مقدار T به دست آمده (۱۱/۷۹) این رابطه با احتمال بیش از ۹۵ درصد اطمینان ($\text{sig}=0/000$) معنادار است.

جدول ۹-۴- همبستگی میزان جامعه پذیری مذهبی والدین با پابندی دانش آموزان به ارزشهای دینی

نام متغیر	R	R ²	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار T	سطح معناداری
میزان جامعه پذیری مذهبی والدین	۰/۵۳	۰/۲۸	۵/۷۸	۰/۵۹	۰/۵۳	۱۱/۷۹	۰/۰۰

F=139.05

sigF=0.000

۱۰-۴- بررسی فرضیه دهم

بین میزان جامعه پذیری مذهبی دوستان و پابندی دانش آموزان به ارزشهای دینی رابطه مستقیم وجود دارد. جدول ۱۰-۴- نشان دهنده رابطه بین میزان جامعه پذیری مذهبی دوستان و پابندی به ارزشهای دینی بر اساس تحلیل رگرسیون ساده می باشد. ضریب Beta به دست آمد (۰/۵۷) نشان می دهد که این رابطه مثبت است؛ یعنی موافق پیش فرض ماست. به عبارت دیگر، هر چه میزان جامعه پذیری مذهبی دوستان بیشتر باشد، پابندی به ارزشهای دینی نزد دانش آموز بیشتر است. با توجه به مقدار T به دست آمده (۱۳/۴۸) این رابطه با احتمال بیش از ۹۵ درصد اطمینان ($\text{sig}=0/000$) معنادار است.

جدول ۱۰-۴- همبستگی میزان جامعه پذیری مذهبی دوستان با پابندی دانش آموزان به ارزشهای دینی

نام متغیر	R	R ²	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار T	سطح معناداری
میزان جامعه پذیری مذهبی دوستان	۰/۵۷	۰/۳۳	۵/۵۳	۱/۰۸	۰/۵۷	۱۳/۴۸	۰/۰۰۰

F=181.75

sigF=0.000

۱۱-۴- بررسی فرضیه یازدهم

احتمال می رود، بین میزان جامعه پذیری مذهبی از طرف عوامل درون مدرسه ای (بسیج دانش آموزی و شورای دانش آموزی) و پابندی به ارزشهای دینی رابطه مستقیم وجود دارد.

جدول ۱۱-۴ بیانگر رابطه بین میزان جامعه پذیری مذهبی از طرف عوامل درون مدرسه (بسیج و شورای دانش آموزی) و پابندی به ارزشهای دینی بر اساس تحلیل رگرسیون ساده است. ضریب Beta به دست آمده (۰/۵۹) نشان می دهد که این رابطه مثبت است؛ یعنی موافق با پیش فرض ماست. به عبارت دیگر، هر چه میزان جامعه پذیری مذهبی از طرف عوامل متصدی این امر در مدرسه، یعنی بسیج دانش آموزی و شورای دانش آموزی، بیشتر صورت گیرد، پابندی به ارزشهای دینی نزد دانش آموزان بیشتر خواهد شد. با توجه به مقدار T به دست آمده (۱۳/۸۹) این رابطه با احتمال بیش از ۹۵ درصد اطمینان ($\text{Sig} = ۰/۰۰۰$) معنادار است.

جدول ۱۱-۴- همبستگی جامعه پذیری مذهبی از طرف عوامل درون مدرسه ای با پابندی دانش آموزان به ارزشهای دینی

نام متغیر	R	R^2	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار T	سطح معناداری
جامعه پذیری مذهبی از طرف عوامل درون مدرسه ای	۰/۵۹	۰/۳۴	۵/۴۵	۱/۴۵	۰/۵۹	۱۳/۸۹	۰/۰۰

$F=193.13$ $\text{sig}F=0.000$

۱۲-۴- بررسی فرضیه دوازدهم

بین میزان جامعه پذیری مذهبی از طرف دیران دینی و پابندی دانش آموزان به ارزشهای دینی رابطه هم جهت وجود دارد.

جدول ۱۲-۴ نشان دهنده رابطه بین میزان جامعه پذیری مذهبی از طرف دیران دینی و پابندی دانش آموزان به ارزشهای دینی بر اساس تحلیل رگرسیون ساده می باشد. ضریب Beta به دست آمده (۰/۵۸) نشان می دهد که این رابطه مثبت است؛ یعنی موافق پیش فرض ماست. به عبارت دیگر، هر چه میزان جامعه پذیری مذهبی از طرف دیران نسبت به دانش آموزان بیشتر صورت بگیرد، پابندی آنها به ارزشهای دینی بیشتر خواهد بود. با توجه به مقدار T به دست آمده (۱۳/۷۳) این رابطه با احتمال بیش از ۹۵ درصد اطمینان ($\text{Sig} = ۰/۰۰۰$) معنادار است.

جدول ۱۲-۴. همبستگی میزان جامعه پذیری مذهبی از طرف دیران با پابندی دانش آموزان به ارزشهای دینی

نام متغیر	R	R ²	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار T	سطح معناداری
جامعه پذیری مذهبی از طرف دیران دینی	۰/۵۸	۰/۳۴	۵/۴۹	۱/۳۴	۰/۵۸	۱۳/۷۳	۰/۰۰۰

F=188.71 sigF=0.000

۱۳-۴- بررسی فرضیه سیزدهم

به نظر می رسد، بین میزان استفاده مذهبی دانش آموزان از وسایل ارتباط جمعی و پابندی به ارزشهای دینی، رابطه مستقیم باشد.

جدول ۱۳-۴ نشان دهنده رابطه بین میزان استفاده مذهبی از وسایل ارتباطی و پابندی دانش آموزان به ارزشهای دینی بر اساس تحلیل رگرسیون ساده است. ضریب Beta به دست آمده (۰/۶۶) نشان می دهد که این رابطه مثبت است؛ یعنی بر طبق پیش فرض ماست. به عبارت دیگر، هر چه دانش آموز از وسایل ارتباط جمعی استفاده مذهبی بیشتری ببرد، پابندی او به ارزشهای دینی بیشتر خواهد بود. با توجه به مقدار T به دست آمده (۱۷/۰۵) این رابطه با احتمال بیش از ۹۵ درصد اطمینان (Sig= ۰/۰۰۰) معنادار است.

جدول ۱۳-۴ همبستگی میزان استفاده مذهبی از وسایل ارتباطی با پابندی دانش آموزان به ارزشهای دینی

نام متغیر	R	R ²	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار T	سطح معناداری
میزان استفاده مذهبی از وسایل ارتباطی	۰/۶۶	۰/۴۴	۵/۰۴	۱/۱۷	۰/۶۶	۱۷/۰۵	۰/۰۰۰

F=290.72 sigF=0.000

۱۴-۴- پیش بینی معادله پابندی به ارزشهای دینی به روش مرحله به مرحله

بررسی نتایج به دست آمده در جدول ۱۴-۴ بیانگر آن است که معادله پیش بینی ما دارای سه مرحله است. بر اساس جدول نامبرده، ضریب همبستگی چند متغیره R در مرحله سوم برابر با ۰/۸۴ است. ضریب تعین (R²) به دست آمده در مرحله سوم نشان می دهد که در نهایت سه متغیر درون معادله، یعنی «میزان استفاده مذهبی از وسایل ارتباط جمعی»، «جامعه پذیری مذهبی از طرف دیران دینی» و «درآمد پدر» می تواند ۰/۷۱ از واریانس متغیر وابسته (میزان پابندی به ارزشهای دینی دانش آموزان) را تبیین یا پیش بینی کنند.

ضریب (R^2) به دست آمده در هر سه مرحله در سطح اطمینان بیش از ۹۵ درصد از لحاظ آماری معنادار بوده است. با توجه به این که بیش از نیمی از واریانس متغیر وابسته به وسیله متغیرهای ما تبیین شده اند؛ یعنی ۷۱ درصد و در حدود ۲۹ درصد از واریانس متغیر وابسته بدون تبیین باقی مانده است، می توان گفت که مدل ما از قدرت پیش بینی مناسب و قوی برخوردار است.

دیگر شاخصهای آماری برای متغیرهای درون معادله مانند ضریب رگرسیون (B) برای نمرات استاندارد شده و Beta برای نمرات استاندارد شده و نیز آزمون T را می توان در جدول ۱۵-۴ ملاحظه کرد. آزمون T نشان می دهد که ضریب B برای هر سه متغیر در سطح بیش از ۹۵ درصد از لحاظ آماری معنادار می باشد.

جدول ۱۴-۴- عناصر اصلی تحلیل چند متغیره به روش مرحله به مرحله از مرحله اول تا مرحله سوم برای پیش بینی متغیر وابسته (میزان پایبندی به ارزشهای دینی)

مرحله	متغیر وارد شده	R	R^2	مقدار افزوده شده به R^2	خطای استاندارد
اول	میزان استفاده مذهبی از وسایل ارتباطی	۰/۶۵	۰/۴۲	-	۵/۰۴
دوم	جامعه پذیری مذهبی از طرف دیران دینی	۰/۸۶	۰/۵۸	۰/۱۶	۴/۳۶
سوم	درآمدپذیر	۰/۸۴	۰/۷۱	۰/۱۳	۳/۷۵

جدول ۱۵-۴- عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش بینی میزان پایبندی به ارزشهای دینی در مرحله سوم

نام متغیر	B	Beta	T	Sig.T
۱- میزان استفاده مذهبی از وسایل ارتباطی	۰/۷۸۵	۰/۳۶۷	۲/۷۵	۰/۰۱۱
۲- جامعه پذیری مذهبی از طرف دیران دینی	۱/۰۵	۰/۵۰۲	۳/۸۸	۰/۰۰۰
۳- درآمدپذیر	-۲/۵۹	-۰/۳۶۵	-۲/۹۶	۰/۰۰۷
	A=30/04		F=17/21 SigF=0/000	R=0/84 R ² =0/71

۵- بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر در جهت بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر میزان پایبندی به ارزشهای دینی انجام گرفته است. در این تحقیق چارچوب نظری از نظریات ویر، پارسونز، اینگلهارت و مید انتخاب گردیده است.

محل اجرای تحقیق، شهر شیراز و جامعه آماری، دانش آموزان مقطع متوسطه پسرانه و دخترانه شهر شیراز بوده و از روش نمونه گیری خوشه ای استفاده شده است. نهایتاً حجم نمونه ۳۸۰ نفر تعیین گردید و از آنها مصاحبه به عمل آمد. روشهای آماری مورد استفاده عبارت از آزمون t، آزمون فو رگرسیون چند متغیره است.

به طور کلی یافته های تحقیق نشان دادند که بین جنس و پابندی به ارزشهای دینی رابطه معنادار است که حاکی از برتری میانگین نمره برای زنان است؛ به عبارت دیگر، پابندی زنان به ارزشهای دینی از مردان بیشتر است. در عمل هم می توان برای این رابطه معناداری مصادیقی یافت؛ از جمله این که می بینیم جرائم زنان از مردان کمتر است، با توجه به این که یکی از کارکردهای دین و ارزشهای آن انسجام و وحدت اجتماعی است. از طرف دیگر می توان به مواردی از نظام ارزشی دینی اشاره کرد که در مورد زنان و دختران شدیدتر و با نظارت بیشتری اعمال می شود؛ از جمله این موارد می توان به حجاب و به سن تکلیف و بلوغ رسیدن دختران که از ۹ سالگی در شرع اسلام تعیین شده است اشاره کرد. در عرف اجتماعی هم از دختران انتظار بیشتری می رود که به اخلاق پابندی بیشتری داشته باشند تا پسران. بین سن و پابندی به ارزشهای دینی رابطه معنادار در جهت منفی و معکوس به دست آمد. به عبارت دیگر، هر چه سن افزایش یابد از میزان پابندی به ارزشهای دینی کاسته می شود. شاید یکی از دلایل این امر این باشد که با بالا رفتن سن، فرد آگاهی بیشتری کسب می کند تا در مورد یافته هایی که در دوران نوجوانی و جوانی به صورت ناآگاهانه پذیرفته شک و تردید بیشتری به خرج دهد، لذا پابندی و ایمان انسان به هر موضوعی که شک کند، کاهش می یابد. یافته ها نشان می دهد که متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی در این تحقیق، متغیر تعیین کننده ای به شمار می رود و بسیاری از شاخصهای این متغیر همچون درآمد پدر، تحصیلات والدین، میزان استفاده از وسایل رفاهی رابطه معناداری با پابندی به ارزشهای دینی دارند و این رابطه در جهت عکس می باشد؛ یعنی هر چه پایگاه اقتصادی - اجتماعی دانش آموزان بالاتر باشد، پابندیشان به ارزشهای دینی کاهش می یابد. به همین صورت ماکس وبر در کتاب اقتصاد و جامعه در بخش مربوط به جامعه شناسی دین بیان می کند که طبقات جنگجو و نجیب زاده به اندیشه های مذهبی از نوع اخلاقی چندان علاقه مند نیستند و احساس مذهبی خود جوشی ندارند و رویکرد مذهبی طبقات ممتاز، رویکردی است که در جهت مشروع ساختن موقعیت ممتاز آن عمل می کند. به باور وبر آنها یکسره غیر مذهبی نیستند، بلکه به نسبت مذهبی اند، ولی احساسات و آرزوهای مذهبی شان گرایش به دلیل تراشی منظم اخلاقی در جهت رستگاری یا هدفهای اخروی ندارد و اما این طبقات متوسط و پایین بویژه طبقه متوسط پایین

در مناطق شهری اند که حاملان واقعی ادیان هستند. پایین ترین قشرهای جامعه معمولاً اندیشه های مذهبی متمایزی را نمی پروراندند، بلکه پذیرای کوششهای تبلیغی رهبران، بدعت گذاران و واعظان مذهبی طبقه متوسط پایین اند (همیلتون، ۱۳۷۷: ۲۴۶).

دسته سوم فرضیات تحقیق به جامعه پذیری مذهبی اشاره دارد. در این قسمت متغیرهایی همچون میزان جامعه پذیری مذهبی والدین، جامعه پذیری مذهبی دوستان، جامعه پذیری مذهبی از طرف عوامل درون مدرسه ای (بسیج دانش آموزی و شورای دانش آموزی) جامعه پذیری مذهبی از طرف دبیران دینی وجود دارند که اثرات همه آنها بر پابندی به ارزشهای دینی با احتمال بیش از ۹۵ درصد اطمینان معنادار می باشند و رابطه این متغیرها با پابندی دانش آموزان به ارزشهای دینی هم جهت است. به عبارت دیگر، هر چه عوامل جامعه پذیری مذهبی از طرف والدین، دوستان، مدرسه و دبیران دینی بیشتر و کامل تر صورت بگیرد میزان پابندی دانش آموزان به ارزشهای دینی بیشتر خواهد شد. این متغیر برگرفته از نظریه کنش متقابل نمادین می باشد که معتقد است انسان در فرآیند اجتماعی شدن تحت تأثیر عوامل مختلف، هنجارها، ارزشها، اخلاقیات، آرمانها و... قرار می گیرد و آنها را در خود درونی می کند. به نظر مید انگیزه دینی موجب نوعی گرایش و توانایی انسان می شود که او را به سوی گسترش حوزه ارتباطات خود با مردم می کشاند و همین امر موجب می شود که آیینهای دینی گسترش یابند. این روند به کلیت و عمومیت یافتن امر دینی منجر می گردد (توسلی: ۱۳۷۴، ۳۰۲). بنابراین، جامعه پذیری مذهبی، به عنوان قسمتی از فرآیند کلی اجتماعی شدن فرد می باشد که در این تحقیق در ارتباط با پابندی به نظام ارزشی دینی مهم تلقی می شود.

درنهایت، رابطه میزان استفاده مذهبی از وسایل ارتباط جمعی با پابندی دانش آموزان به ارزشهای دینی با احتمال بیش از ۹۵ درصد اطمینان معنادار می باشد و این رابطه مثبت و مستقیم است. به عبارت دیگر، هر چه استفاده کنندگان از وسایل ارتباط جمعی (کتاب، روزنامه، رادیو، تلویزیون) موضوعات مذهبی را بیشتر دنبال کنند و مورد استفاده قرار دهند، پابندی آنها به ارزشهای دینی بیشتر خواهد بود. وقتی به اهمیت وسایل ارتباط جمعی و تأثیر آنها بر شخصیت، نظام فکری و فرآیند اجتماعی شدن انسانها نگاه کنیم، به این مهم پی می بریم. به طور کلی در تحلیل رگرسیون چندمتغیره برای مشخص نمودن معادله ای که بتوان با آن متغیر وابسته را پیش بینی کرد به معادله ای با متغیرهای میزان استفاده از وسایل ارتباط، میزان جامعه پذیری مذهبی از طرف دبیران دینی و درآمد پدر دست یافتیم که نهایتاً ۷۱٪ متغیر وابسته از طریق این معادله تبیین شد. بنابراین می توان

گفت از بین عوامل چهار گانه جمعیتی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، کارگزاران جامعه پذیری مذهبی و میزان استفاده از وسایل ارتباطی، متغیری از پایگاه اقتصادی - اجتماعی (درآمد پدر) و متغیری از جامعه پذیری مذهبی (جامعه پذیری مذهبی از طرف دیران دینی) و متغیر مستقل میزان استفاده از وسایل ارتباطی وارد معادله نهایی ما شدند. به عبارتی می توان گفت که این عوامل در پابندی به ارزشهای دینی نزد دانش آموزان مهم تر هستند.

آمارهای توصیفی به دست آمده در تحقیق نشان می دهد که پابندی دانش آموزان به ارزشهای دینی متوسط رو به بالا می باشد. به عبارت دیگر این پابندی نسبتاً قوی است. بنابراین، برای افزایش میزان پابندی به ارزشهای دینی در نسل جوان راهکارهایی را که می توان با توجه به یافته های این تحقیق پیشنهاد کرد این است که اول باید به تقویت بعد شناختی، احساسی دانش آموزان نسبت به اسرار و فلسفه دین، مذهب و ارزشها، باورها و رفتارهای دینی پرداخت. بهترین ابزار برای تقویت بعد شناختی و عاطفی دانش آموزان «کتاب دینی» مدارس است. از سوی دیگر، کتب دینی مدارس در حال حاضر نتوانسته است جایگاه ویژه خود را در مسیر ترغیب دانش آموزان به اصول و رفتارهای مذهبی نشان دهد. لذا ضرورت بازنگری دقیق، کارشناسانه و به روز بودن نسبت به کتب دینی ضرورت دارد. دوم این که، یکی از متغیرهایی که در این تحقیق توانست میزان زیادی از مدل را تبیین کند و رابطه معنا داری به صورت مثبت و مستقیم با متغیر وابسته داشت، نقش دیران دینی بود. بنابراین دیران دینی در نظام آموزشی می تواند ابزار مؤثری برای پابندی و ترغیب و تشویق بیشتر دانش آموزان به ارزشهای دینی باشند. این نقش را دیران دینی از طریق چند عامل می تواند ایفا کنند:

۱- مطابقت بین گفتار و عمل: دیران دینی به عنوان شاخصهای مذهبی در مدارس و مبلغین دینی محسوب

می شوند و در آموزشهای دینی و مذهبی و تبلیغ و ترویج ارزشها و باورهای دینی به طور مسلم نقش اساسی دارند و تاثیر زبان کرداری بیش از زبان گفتاری است. از آن جا که بعضی از افراد جامعه به لحاظ موقعیت و شغلی که دارند (مانند چهره های مذهبی، معلمین دینی، والدین و...) رفتار و حرکشان زیر ذره بین و نگاه تیز نوجوانان حساس قرار دارد، می بایست در هماهنگی بین گفتار و عمل خویش توجه و مراقبت بیشتری داشته باشند که در غیراین صورت نه تنها دانش آموزان به رفتارهای دینی گرایش پیدا نخواهد کرد، بلکه ممکن است در آنان تنفر و انزجار نسبت به این گونه ارزشها نیز به وجود آید.

۲- شخصیت علمی و میزان توانایی دیران دینی در پاسخگویی به سؤالات مذهبی دانش آموزان: در

دوران نوجوانی معمولاً افراد نسبت به اعتقادات گذشته خویش که از طریق خانواده یا مدرسه و به طور کلی

جامعه خود فرا گرفته اند شک می کنند و به عبارتی سنین نوجوانی را «دوران شک و تردید» نیز می نامند. حال اگر نوجوان نتواند سؤالات، ابهامات و مشکلات دینی خود را در این مرحله از عمر حل نماید و یا حتی اجازه سؤال کردن در امور مذهبی به او داده نشود به تدریج شبهات در ذهن وی تثبیت خواهد شد. اما بدون تردید دیرانی که از توان علمی لازم در پاسخگویی به شبهات دینی نوجوانان برخوردار باشند علاوه بر این که از تشدید این گونه ابهامات جلوگیری می نمایند با نشان دادن توان علمی لازم در نزد جوانان «محبوبیت» یافته در صورت تحقق این مهم، توصیه های این گونه دیران در مورد امور مذهبی تأثیر بسزایی بر جای خواهد گذاشت.

۳- وجود رابطه صمیمانه بین دیران دینی و دانش آموزان: با ایجاد رابطه صمیمانه و دوستانه بین دیران دینی و دانش آموزان، اعتماد و پذیرش متقابل بین دیران دینی و دانش آموزان پدید می آید و توصیه های آنان موثر واقع می شود.

راه حل سوم که به نقش جامعه پذیری بر می گردد در ارتباط با گروه همسالان و دوستان می باشد که در این تحقیق، رابطه معنادار و مثبتی با متغیر وابسته (پایبندی به ارزشهای دینی) به دست آمد. بر اساس نتایج به دست آمده، نزدیکترین دوستان افراد در سنین نوجوانی، در صورتی که نکرش مثبت به ارزشهای دینی داشته باشند در گرایش دیگر همسالان خود به رفتارهای مذهبی نقش بسزایی خواهند داشت. همچنین در صورتی که انحرافات اخلاقی در بین آنان وجود داشته باشد، زمینه کاهش رغبت و تمایل و کاهش پایبندی دیگران را به ارزشهای دینی فراهم می کند. لذا از طریق توصیه به خانواده ها از طریق جلسات انجمن اولیا و مربیان، کلاسهای آموزشی خانواده و... ضروری است و اگر خانواده دقت نظر در دوستیهای فرزندان خود، بویژه در سنین نوجوانی، جهت داشتن روش الگویی برای فرزندان خویش داشته باشند می توان از طریق این عوامل تأثیر بسزایی در افزایش به پایبندی دانش آموزان به ارزشهای دینی داشت.

وسایل ارتباط جمعی، متغیر تأثیر گذار دیگری بود که رابطه معناداری با متغیر وابسته (پایبندی به ارزشهای دینی) به صورت مثبت داشت و در تبیین نهایی مدل هم نقش زیادی ایفا کرد. بنابراین، بر اساس این یافته ها می توان از طریق تلویزیون به برنامه ها، سریالها و ساخت فیلمهایی دست زد که بر نقش مذهب، دین در خانواده و کارکردهای آن در سطح جامعه اشاره دارد. همچنین می توان به ایجاد شبکه خاصی در رادیو یا تلویزیون تحت عنوان شبکه اخلاق، اختصاص دادن صفحه ای از روزنامه به امور دینی، اخلاقی و... اشاره کرد.

در پایان به این نکته نیز باید اشاره کنیم که رسانه ها، مدارس و متولیان مذهب نباید از جنبه آمرانه و تحکم به مسأله دین نگاه کنند. اگر مبنا را بر این بگیریم که دین فطری است، یعنی زمینه پذیرش آن در انسانها وجود دارد، پس نباید حالت دستوری و القا به دیگران داشته باشد و حتی آنچه را که متولیان می فهمند به دیگران بقبولانند و جنبه باید و نباید اجرایی بدهند، بلکه باید به پیامدهای اخلاقی دین اندیشید و آن را به نقد کشید تا دین جذاب تر شود و نسل جوان آن را با دل بپذیرد. نباید رسانه های جمعی ما جنبه توصیه آمیز و پند و اندرز داشته باشند تا ضریب اعتماد جامعه به این رسانه ها پایین بیاید، بلکه باید به پیامدهای اخلاقی دین اندیشید و آن را به نقد کشید، تحمل آرای دیگران را داشت تا دین پر بارتر شود و نسل جوان با دل و جان، پذیرای آن باشد.

۶- پیشنهادها و محدودیتها

ارزشهای دینی یکی از عناصر کلیدی در نظام فرهنگی هر جامعه ای است که شناخت آن نقش بسیار مهمی در شناخت نظام فرهنگی دارد. این تحقیق نیز در ارتباط با پابندی به ارزشهای دینی و عوامل جامعه شناختی مؤثر بر آن در یک گروه نسلی انجام گرفته است. برای شناخت بهتر ارزشهای اجتماعی و ارزشهای دینی، برپرسه ها که انتخاب اسامی ایران با تغییر در نظام ارزشی آثار گسب و ارزشهای اسلامی (ساده زیستی، قناعت و ایثار) بر ارزشهای مادی غلبه یافت و نظام اجتماعی و سیاسی دگرگون شد، لزوم تحقیقات گسترده در این حوزه بیش از پیش ضروری به نظر می رسد. از جمله موارد دیگری که می توان در حیطه ارزشها به عنوان تحقیق پیشنهاد داد تعارض ارزشی، شکاف ارزشی بین نسلی و تغییر ارزشهاست. چرا که ارزشها لایه ژرف و زیرین واقعیت اجتماعی است و تا این لایه ها به صورت علمی، جامعه شناختی و کارشناسانه بررسی نشود نمی توان انتظار اصلاح دیگر لایه های ساختار اجتماعی را داشت.

از مهم ترین محدودیتها و مشکلات این تحقیق بیشتر می توان به حساسیت موضوع و جمع آوری اطلاعات پرسشنامه اشاره کرد. با توجه به این که جامعه نمونه ما در این تحقیق دانش آموزان مقطع متوسطه در نواحی چهار گانه آموزش و پرورش شهر شیراز بودند، گرفتن مجوز و هماهنگی اداری زنجیره وار و بویژه مشکلاتی که در مورد پر کردن پرسشنامه در دبیرستانهای دخترانه بود، کار تحقیق را با مشکل مواجه می کرد.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳): تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، انتشارات کویر.
- ۲- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸): توسعه و تضاد، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۳- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴): جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- ۴- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹): بررسی آگاهیها، نگرشها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران، تهران، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور.
- ۵- مقدس، علی اصغر (۱۳۷۴): ساختار و تحرک شغلی در فارس و بویر احمد، پایان نامه دوره دکتری رشته جامعه شناسی.
- ۶- همیلتون، ملکم (۱۳۷۷): جامعه شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات تیان.
- ۷- وبر، ماکس (۱۳۷۱): اخلاق پروتستان و روحیه سرمایه داری، ترجمه عبدالمعبد انصاری، تهران، انتشارات سمت.
- 8- Abaramson, Paul, and Ronald Inglehart (1986). "Generational Replacement and Value change in Six West Eoriupcan societies" *American Sociological Review*, Vol. 30. pp1-25.
- 9- Hallahmi, B. & Micheal, Argyle (1997). *The Psycology of Religious Behavior, Belief and experience*, "London, by Routledge.
- 10- Inglehart, Ronald (1981). "Post Materialism in an Environment of Insecurity.. *Journal of American Political Science*, Vol 57.
- 11- Turner, jonathan , H (1998). *The structure of sociological Theory*. New York Wadsworth Publishing Company.
- 12- Weber, Max (1963). *The Sociolgy of religion*. Ephraim, fiscof London methven.

مشخصات مؤلفین

عبدالعلی لاهسانی زاده استاد جامعه شناسی دانشگاه شیراز است. علائق پژوهشی او در زمینه جامعه شناسی توسعه و جامعه شناسی روستایی است.

Email: Lahsaei@Rose.shiraz.us.ac.ir

جهانگیر جهانگیری عضو هیأت علمی دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز است. علائق پژوهشی او در زمینه جامعه شناسی روستایی و جامعه شناسی سیاسی است.

علی شریفی کارشناس ارشد علوم اجتماعی است. علائق پژوهشی او در زمینه جامعه شناسی خانواده، جامعه شناسی هنر و ادبیات و آسییهای اجتماعی است.

Email: sharifi a2000@Yahoo.com